



علل افزایش طلاق؟!

✿ ازدواج مدرن!

✿ جهات دیگر

در شماره گذشته ارقام سرسام آور طلاق را که روز بروز در حال افزایش است و بموازات پیشرفت تمدن غربی پیش می‌رود نقل کردیم و وعده دادیم در باره علل و جهاتی که در افزایش انحلال قانون خانواده ها مؤثر است و باعث سرعت و حشمتناك آمار طلاق میشود ، بحث و گفتگو نمائیم ، اینك افكار شمارا به بحث و تحقیق در باره عوامل افزایش طلاق جلب مینمائیم :

علل و جهاتی که ممکن است در افزایش طلاق و انحلال قانون خانواده ها مؤثر باشد ، فراوان است ، مادر اینجا بمهمترین مؤثرترین آنها ذیلا اشاره می‌کنیم :

۱ - ازدواج مدرن!

در میان ده‌ها دلیلی که برای افزایش سرسام آور طلاق وجود دارد ، و هر کدام در جای خود عامل مؤثری بشمار می‌رود ، عامل زیرداری اهمیت فراوانی است :

معمولاً طرفین ازدواج ، هنگام برقراری عقد زناشویی دقت و توجه لازم را در باره شایستگی و توافق روحی و فکری یکدیگر ، بمنظور ادامه زندگی خانوادگی مبذول نمیدارند ، چشم داشت آنها در امر ازدواج ، بیشتر امور مالی ، ظواهر فریبنده زود گذر ، و امثال آن است . بدیهی است ازدواج‌هایی که تنها روی مقاصد پست مادی فوق صوت گیرد در صورت برآورده نشدن

آن مقاصد و یا عوض شدن شرائط زندگی آنان ، دیر یا زود منجر بطلاق و جدائی خواهد شد گویانکه گسستن پیوند زناشویی چه برای خود آنها و چه برای فرزندان معصومان بقیمت گرانی تمام شود!!

و هر گاه در اثر شرائط خاص زندگی نتوانند اقدام بطلاق نمایند ، یک عمر بایستی در آتش اختلاف و ناراحتی روحی بسوزند !!

متأسفانه بیشتر ازدواجها تیکه هم اکنون در جامعهها صورت میگیرد ، روی جهات فوق است ، یکی تنها بخاطر پول و زیبایی و شخصیت خانوادگی زن با او پیوند زناشویی برقرار مینماید ، آن یکی دیگر فقط از طرز راه رفتن و تعارف کردنش خوش آمده با او نرد عشق باخته است ! و عجیب است که گاهی هم دیده شده پیوند مقدس زناشویی تنها بخاطر این صورت گرفته که آقا پسر و دختر خانم هر دو یکنوع سیگار فرنگی میکشیدند !!

اخیراً یکی از مجلات کثیرالانتشار کشور ، تحت عنوان « ازدواج مدرن ! » نوشته بود « بقول خانم که زن تازه بدوران رسیده ای بود ، با فریدون ازدواج کرد ، روزی یکی از دوستانش از او پرسید : خانم چطور شده که با فریدون ازدواج کرده اید ؟ او پشت چشمی نازک کرد و با کرشمه گفت : برای اینکه ما هر دو یکنوع سیگار فرنگی میکشیدیم ، (۱)

ناگفته پیداست ازدواجیکه تنها بخاطر اینگونه مطالب ، صورت گیرد که مثلاً طرفین هر دو یکنوع سیگار فرنگی میکشیدند ، در صورت عوض شدن سیگارهای آنان ، توافق و سازش - شان نیز از بین رفته ، کانون خانوادگی آنان نیز از هم پاشیده خواهد شد !

۲ - توقعات بیجا و خواسته های مبالغه آمیز !

بسیاری از زنان و مردان هستند که موقعیت و امکانات خود و همسرشان را نادیده گرفته نسبت بیکدیگر ، توقعات بیجا و خواسته های مبالغه آمیز ، ابراز میدارند ، جای تردید نیست که تحمل آن سختگیرها و برآورده کردن آن خواسته ها برای همه کس در همه شرائط امکان پذیر نیست بالاخره طرفین برای رهایی از وضع طاقت فرسای موجود ، ناگزیر دست بسوی طلاق دراز خواهند نمود .

مثلاً مردی سی ساله ، با دختری چهارده ساله که احیاناً مدرسه هم میرفته ازدواج میکنند و تشکیل خانواده میدهد ، او هیچگاه نمی بایست از یک دختر چهارده ساله ای که تازه از مدرسه بیرون آمده و بهیچوجه با مورخانه داری آشنائی ندارد ، مانند یک زن سی ساله ای که گرم و سرد روزگار چشیده و باصول خانه داری آشنائی کامل دارد توقع خانه داری و شوهر داری داشته باشد. هر -

گاه شوهر در خواسته‌های مبالغه‌آمیز و توقعات بیجای خود اصرار ورزید ، زن جوان را بیش از حد تحت فشار قرارداد ، خواه ناخواه کانون خانواده آنها یا بجهنم سوزانی مبدل میگردد و یا از هم پاشیده خواهد شد .

و همچنین زنی بامردی ازدواج میکند که مجموع درآمد ماهیانه اش مثلا چهارصد تومان است چنین زنی هیچگاه نباید از شوهرش توقع داشته باشد آخرین مدل لباس و وسائل تجملی را برایش فراهم سازد زیرا بر آورده کردن چنین توقعاتی از چنین شوهری که مجموع درآمد ماهیانه اش آن مقدار است بهیچوجه مقدور نیست او یا باید توقعات چنین زنی را از طریق درآمد های نامشروع بر آورد و یا در آتش اختلاف خانوادگی بسوزد و یا دل بدریازده از راه طلاق خود را از چنگال چنان زن پر توقعی رها سازد ؟

بالاخره راه سوم را بشرافت و آرامش روحی نزدیکتر می بیند و دست بسوی بلای خانمانسوز طلاق دراز مینماید آیا عامل مؤثر در انحلال کانون خانواده ، در اینگونه موارد چیزی جز توقعات بیجا و خواسته‌های مبالغه‌آمیز طرفین میباشد ؟
برای اینکه نمونه هایی از نوع طلاقهایی که روی جهات فوق ، در جامعه ما صورت میگیرد نشان دهیم توجه شمارا بموارد زیر جلب مینمائیم :

«در ده سال گذشته تنها در تهران ، بیش از هزار و چند طلاق ، بخاطر دعوی زن و شوهر بر سر مخارج آرایش ، صورت گرفته است البته تعداد طلاقهایی که روی جهت فوق در تهران صورت گرفته بیش از این مقدار است ، ارقام بالا از آنچه که درستون جرائد خبری منعکس شده جمع آوری شده است » (۱)

«خانم شیک پوشی علیه شوهرش شکایت کرد ، اختلاف این زن و شوهر که بر سر نخريدن پالتو پوست ، پایه گرفته بود ، سرانجام بداد سراکشید و منجر بطلاق شد زیرا شوهر این زن میگفت : من زندگیم را بزحمت اداره می کنم و قدرت بر خرید پالتو ندارم ، و بالاخره خانم از شوهر جدا شد » (۲)

«شوهرم پر توقع است ، هر روز دستور تازه ای بمن میدهد ، بمحض دیدن فیلمی بمنزل میآید و از من میخواهد بطرز هنرپیشه زن آن فیلم آرایش کنم و لباس بپوشم ! بالاخره میخواهد من هر هفته ، خودم را بشکل يك هنرپیشه خارجی در آورم ! امشب من دیگر خسته شدم و پاسبان را خبر کردم و مارا بکلانتری حضور شما آورد ، من

(۱) اطلاعات هفتگی

(۲) کیهان ۲۵ و ۲۶ ۱۳۴۲

میخواهم از اطلاق بگیرم ، نام شوهرم « کامبیز » ا و کارمند یکی از بانکها است ا
 بالاخره چون حاضر باشتی نشدند ، پرونده مر بوطه تنظیم و بداد سرای ناحیه یک فرستاده
 شد تا تکلیف آنها را روشن سازد... ا (۱)

دقت در نمونه های فوق ، بخوبی نشان میدهد که توقعات بیجا و خواسته های مبالغه آمیز
 زنان و شوهران ، تا چه اندازه در انحلال کانون خانواده ها مؤثر است ا

۳ - عدم رعایت حقوق و وظائف زناشویی !

زن و مرد ، پیش از آنکه با هم بیوند زناشویی برقرار سازند ، دارای آزادی زیادی هستند ،
 هر کاری که بخواهند میتوانند انجام دهند ، هر جایی که بخواهند میتوانند بروند ، بهر
 مقدار که بخواهند ، میتوانند در هر محیطی توقف کنند ، و بطور کلی در دائره کانون زندگی ،
 آزادی مطلق دارند ، ولی بعد از آنکه مرد پای بند زناشویی شد ، وزن باصطلاح « بله » گفت
 بسیاری از آزادیهای آنان ، محدود میگردد و تکالیف و حقوق خاصی بعهده آن میآید .

بر آنهاست که از لحاظ آمیزش با دیگران و مسافرت ، و بطور کلی در جمیع شئون زندگی
 در دائره خاص کانون زناشویی رفتار نمایند ، تخلف از مقررات زندگی زناشویی مفاسد فراوانی
 بدنبال دارد که کوچکترین آنها انحلال کانون خانواده و طلاق است شاید بسیاری از طلاقی که
 که واقع میشود ، معلول همین عدم رعایت حقوق و وظائف زناشویی است .

۴ - توسعه روابط نامشروع و افزایش بدگمانیها در جامعه

از ثمرات تلخ زندگی ماشینی و شرکت زنان در امور اجتماعی ، اختلاط بیش از حد مردان
 با زنان است نتیجه این اختلاطها و آمیزشها توسعه روابط نامشروع و بی اعتمادی هر کدام از زن
 و مرد نسبت بیکدیگر است بدیهی است که هیچ مرد باغیرتی نمیتواند ناموس خود را در اختیار
 دیگری مشاهده کرده و بیا یک عمر در حال بی اعتمادی و بدگمانی با او بسر برد. او برای استخلاص از
 این رنج جانگناه گزیر دست بسوی طلاق دراز خواهد نمود و بر آمار وحشتناک طلاق خواهد افزود.

۵ - شیوع مناظر شهوت انگیز و تأثیر سوء دستگاههای سمعی و بصری

صرف نظر از مناظر شهوت انگیز بکه هر لحظه در کوچه و خیابان بچشم میخورد و آرایش -
 های لوس و بی مزه ای که در لابندنبال دیده میکشاند و افراد بوالهوس و بی اعتنا نسبت بخانواده بار
 میآورد ، اثرات سوء فیلمهای سینما ، و دیدن بدنهای لخت و برهنه ستارگان ، و مشاهده عکسهای
 سکسی و شهوت انگیز تلویزیونها و مطبوعات ، و همچنین خواندن داستانها و نمایشنامه های عشقی
 و فضیلت کش را نباید در افزایش آمار طلاق کم اثر دانست .

۶ - عدم رعایت تناسب سنی میان زن و شوهر ۷ - نقص برنامه های آموزشی و پرورشی

۸ - درک نکردن زن و مرد اهمیت طلاق و مفاسد بکه از آن دامنگیر جامعه میگردد

۹ - ضعف ایمان و عقائد مذهبی و پای بند نبودن با اصول اخلاقی و دینی عامل مؤثر دیگری
 برای افزایش طلاق بشمار میرود .